

### ■ معصومه‌عظیمیان

بی‌تردید آنچه در عرصه سیاست ایران از دهه ۲۰ تا ۵۰روی داد، معلول تحولاتی بود که در عرصه فرهنگ روی داده بود. هم از این‌رو بازخوانی فراز و فرودهای فرهنگی این مقطع مهم، از پیش‌نیازهای فهم درست از وقایع سیاسی روی داده در آن به‌شمار می‌رود. مقالی که پیش‌روی دارید، درصدد است تا مروری اجمالی بر این تحولات داشته باشد. امید آنکه تاریخ‌پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■■■■

### ■ تحولات سیاسی و فرهنگی دهه ۲۰

در دهه ۲۰ به دلیل وجود آزادی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جامعه که پس از سقوط دیکتاتوری رضاخانی و عدم ثبات حکومت محمدرضاء اجامعات، کانون‌های اسلامی و مکاتب مختلفی به وجود آمد، فعالیت‌های مختلف در عرصه‌های فکری، سیاسی، ادبی و فرهنگی آغاز شد. هرچند از نظر علمی و صنعتی، جامعه همسو با اصلاحات دولت مدرن بسط نیافت، اما در زمینه فرهنگی، ادبی و هنری کسه رویکردی مردم‌گراانه داشت، تحول بی‌سابقه‌ای ایجاد شد و احزاب مختلف پا به عرصه وجود نهادند. فرهنگ چه، ادبیات، فرهنگ و هنر را گسترش داد و بخش قابل توجهی از مردم به‌خصوص روشنفکران، جوانان و دانشگاهیان را به خود جذب کرد. بر این اساس تا سال‌ها، اغلب دغدغه‌های فکری علما، روحانیون، صاحبان تفکرهای اسلامی پیرامون مسائلی چون: آزادی، حجاب، گنجاندن تعلیمات اسلامی در برنامه‌های آموزشی مدارس و چگونگی ایجاد مدارس ملی-اسلامی دور می‌زد. در خواست حاج آقا حسین قمی از محمدرضا شاه، پس از بازگشت از تبعید نجف به ایران مؤید این مطلب است. علاوه بر این، آیت‌الله العظمی بروجردی با همکاری مرحوم حاجت‌الاسلام و‌المسلمین فلسفی برای گنجاندن تعلیمات اسلامی در برنامه آموزشی کوشش‌های بسیاری انجام دادند. در این دهه، نوعی تظاهرات و اعمال غیردینی و حتی ضدمذهبی در بین افشاری از مردم رواج یافت که بی‌جنبالی یکی از این اعمال است که سخنرانی‌های شیخ عباسعلی اسلامی در مورد حجاب، تأثیر گذار بوده است. در این دهه برخی ائمتحن‌ها و گروه‌های مذهبی علیه رواج بی‌دینی یا ضعیف شدن باورهای مذهبی مردم شکل گرفت که «تجنب تبلیغات اسلامی» و «تجدادیه اسلامی» از جمله این تشکل‌ها بودند که مهم‌ترین موضوعات آنها، مسئله حجاب و تبلیغات ضددینی و اخلاقی روزنامه‌های عباسعلی اسلامی در مورد حجاب، تأثیر گذار بوده است.

۱- «تأسیس مدارس جامعه تعلیمات اسلامی»: دهه ۲۰ مصادف بود با تأسیس مدارس جامعه تعلیمات اسلامی که ابتدا در تهران و سپس در شهرستان‌ها ایجاد شد. مؤسسان این جامعه به‌خصوص شیخ عباسعلی اسلامی، با افزون دروسی مانند اصول و فروع دین، فرائد، تفسیر قرآن و همه مسائل مربوط به دین اسلام به برنامه کلاسیک و موظف آموزش‌پرورش و همچنین اجرائی نماز و اجبار در پوشش چادر برای مدارس دخترانه، سعی داشت تا به سهم خود نور اسلام را روشن نگه دارد.

۲- «تجدادیه دینی»: یکی دیگر از کانون‌های اسلامی بود که از سوی آیت‌الله قومنی به‌منظور اجرائی برنامه‌های اسلامی، تبلیغی و فرهنگی ایجاد شد. احداث مساجد نو و تأسیس مدارس نو مخصوص دختران و پسران از جمله اقداماتی بود که به‌وسیله وی در این دوران انجام شد.

۳- «کانون اسلام»: به‌صورت محلی برای تبلیغات اسلامی

و خیره به دست عده‌ای از دبیران از جمله «همپاری و حسینی» تأسیس شد که جزو اولین مراکز آموزش‌های اسلامی-اجتماعی جدید به‌شمار می‌آمد. این مکان محل برخورد افکار اشخاص و قشرهای مختلف مردم از بازاربان، محصلان، دانشجویان، فرهنگیان و ارتشیان بود. پس از کناره‌گیری رضاشاه، این محل جنبه اجتماعی و سیاسی پیدا کرد، ولی فعالیت آن هرگز شکل منظمی به خود نگرفت و هنگامی که آیت‌الله طالقانی در سال ۱۳۳۲ پایگاهش را به مسجد «هدایت» منتقل نمود، در عمل برچیده شد و از افزادی که در این جلسات حضور داشتند، مهندس مهدی بازرگان و دکتر سحابی بود که بعدها ریاست‌تاسیس کردند.

۴- «انجمن اسلامی دانشجویان»: در سال ۱۳۲۱ گروهی از دانشجویان مسلمان در دانشکده پزشکی، کانون

دیگری به نام «انجمن اسلامی دانشجویان» را پایه‌ریزی

کردند که دارای فعالیت‌های فکری- فرهنگی بود و در آن

آیت‌الله طالقانی و تنی چند از روشنفکران دارای گرایشات

دینی، نقش فعالی داشتند و در همین سال با همکاری

هم «انجمن اسلامی مهندسیان ایران» را تشکیل دادند

و آثار متفکران اسلامی، سلسله کتابها و جزوه منتشر

می‌شد و از این طریق دانشجویان و دانش‌آموزان، نغذیه

فکری می‌شدند. علاوه بر این که روزنامه‌های «پرچم

اسلام» و مجلاتی چون «بین مسلمین» و «هدایا حق»

در احیا و زنده نگه‌داشتن مسائل دینی برای نسل جوان

نقش داشت، در واقع این کانون‌ها، پایه‌های ایجاد بعضی

مدارس اسلامی- ملی بودند که در دهه‌های بعد پا به عرصه

وجود گذاشتند.

### ■ تحولات سیاسی و فرهنگی دهه ۳۰

در دهه ۳۰ ششمی، ایران از نظر سیاسی وارد مرحله جدیدی شد. وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و جریان ملی شدن صنعت نفت موجب شد تا چرخش در نگرش بسیاری از فعالان فرهنگی جامعه ایجاد شود. پس از شهریور ۲۰ و تغییر حکومت تا زمان انقلاب اسلامی واکنش و فعالیت احزاب، گروه‌ها، محافل سیاسی، فرهنگی و مذهبی در دو جهت مخالفت حرکت نمود. در دهه ۲۰ بنا بر مقتضیات زمان و حکومت، آزادی و فضای باز سیاسی و فرهنگی وجود داشت. این گروه‌ها و از جمله محافل مذهبی بر آن بودند تا با طرح نظرات و دیدگاه‌های خود از طریق رسانه‌های جمعی موجود در آن زمان، به‌نوعی در تحول فرهنگی جامعه نقش داشته باشند. اگر آنان در دهه گذشته خواستار اصلاح نظام بودند، در این دهه، تغییر آن را در سر می‌پروراندند. اغلب روشنفکران اسلامی که تا این زمان اصولا به سیاست اعتقادی نداشتند و در محافل و کانون‌های خود تنها به بُعد تربیت و تعلیم ایدئولوژیک



## نظری بر تحولات دینی- فرهنگی ایران از دهه ۲۰ تا ۵۰

# مدارسی که تاریخ‌ساز شدند

اسلامی می‌پرداختند، به عرصه سیاست کشیده شدند. پس از تعویض سیاست‌های دولت و کودتای ۱۳۳۲ش. به‌تدریج گروه‌های جامعه و به‌خصوص مذهبی‌ها، به سمت مدارس اسلامی در طول تاریخ این میان فعالیت‌های مسئولان مدارس اسلامی- ملی- که دارای خط‌مشی سیاسی بودند قابل ملاحظه است. گزارش‌های رسیده مربوط به شیخ عباسعلی اسلامی، مدیر جامعه تعلیمات اسلامی، مسئولان مدرسه کمال و مسئولان مدرسه رفاه نشان‌دهنده فعالیت سیاسی و مبارزات سیاسی این مسئولان است که این مدارس را در زمره مدارس سیاسی نیز قرار می‌دهد که سعی در براندازی رژیم داشتند و به‌شدت با آن به مخالفت می‌پرداختند.

### ■ تحولات سیاسی و فرهنگی دهه ۴۰

به‌طور کلی، این دهه‌ها مصادف بود با افزایش فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی و همچنین اقدامات مسلحانه این واکنش‌ها در پی افزایش استبداد داخلی و همچنین افزایش نفوذ سیاست‌های استعمارچیونه غرب به‌خصوص آمریکا بود که روزه‌به‌روز بر استیلای خویش در ایران می‌افزود. در این دوره، فعالیت‌های سیاسی احزاب، نویسندگان نشریات، دانشگاهها، مدارس و به‌طور کلی مراکز آموزشی- مراکز اداری و اجتماعی و فرهنگی به‌طور کامل در کنترل دستگاه‌های امنیتی کشور قرار داشت. نکته قابل تأمل این دهه، تأثیر مراکز فرهنگی و آموزشی که از سوی علما هدایت می‌شد در جامعه بود و این اسباب‌نگرانی ساواک را به وجود آورده بود و از سویی دیگر، افزایش درآمدهای نفتی از اواخر دهه ۴۰ حکومت پهلوی را در اثر ثروت هنگفتی کرده بود که در مسیر توسعه شتابان‌تری قرار گرفت و افتراق حکومت با مردم را در پی داشت.

### ■ تحولات سیاسی و فرهنگی دهه ۵۰

یکی از اقدامات و شیوه‌های مقابله با حرکت‌های فرهنگی و مذهبی در حکومت پهلوی و به‌خصوص در سال‌های آخر، انحصاری کردن آموزش بود و به‌پایه «آموزش رایگان» قانونی تصویب گردید که بر مبنای آن تمام مدارس ملی و غیررسمی به‌صورت دولتی درآمد که شایعه طرح آموزش رایگان از آغاز دهه ۵۰ انتشار یافت و در نهایت در سال ۱۳۵۳ش. تصویب شد. در دهه ۵۰ استبداد حاکم به‌حداعلی خود رسید و هرگونه مخالفتی سرکوب می‌شد. به همین دلیل امام خمینی پس‌ازاعتراف به کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۳ ش. به ترکیه تبعید شد و سران نهمضت آزادی دستگیر شدند و به زندان افتادند. مدارس مذکور تحت نظارت کامل دولت قرار داشتند که از طریق اعزام مأموران در قبال مدیر، معاون، مربی و معلم صورت می‌گرفت و آنان را در محدودیت‌های تبلیغاتی و تعلیماتی قرار می‌داد.

### ■ پیشینه پیدایش مدارس اسلامی

پیشینه مدارس اسلامی به مکاتب و مساجد در سده‌های اولیه نشر اسلام بازمی‌گردد. فرقه‌های مختلف اسلامی، هر یک در حلقه‌های مخصوص پیروان خود در مساجد، به فراگیری دروسی چون قرائت قرآن، حدیث و قوانین شرع پرداختند. پس از برپایی مدارس، فرقه‌های مختلف مذهبی فرصت یافتند تا-از این طریق، پایگاه تعلیماتی خود را از دیگر مسلک‌ها جدا نمایند و به‌نوعی مبارزه سیاسی و مذهبی بپردازند ولی مدارس تنها بر پایه انگیزه علمی و مذهبی احداث می‌شدند نه بر پایه اغراض سیاسی-اجتماعی.

تا اواسط دوران قاجار، توسعه یا تنزل مقام مدارس اسلامی، تابعی از حوادث و رویدادهای سیاسی- اجتماعی دوره خود بود. قبل از صوفیان، توسعه مدارس اسلامی ویژه‌هازل سنت رواج داشت و بعدها این امر به سمت مدارس اسلامی شیعی مذهب گرایش یافت.

با افزایش روابط ایران و اروپا و ورود تدریجی فرهنگ

و تمدن غربی به کشور، ایران وارد دوره جدیدی از

تحولات گردید. با نیاز کشور به علوم جدید با مقتضیات

زمانی دروس جدید وارد حیطه آموزش شد. پس

از مشروطیت و آگاهی از لزوم آموزش همه‌جانبه

# عاریخ

کفت وگرم ۸۸۴۹۸۳۲۷



حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ عباسعلی اسلامی در میان متولیان یکی از مدارس جامعه تعلیمات اسلامی

## پیش‌خواب

### نظری بر اثر تاریخی- پژوهشی

«مجلس شورای ملی و تحکیم دیکتاتوری رضا شاه»

## پارلمان‌تاریسم در خدمت دیکتاتوری مطلقه!

### ■ علیرضا ملایی توانی



پس از مشروطیت، مجلس مسئولیت‌های خطیری در پیش داشت که مهم‌ترین آنها تلاش برای استقرار نظام پارلمانی در ایران، تصویب قوانین، نظارت بر قوه مجریه ومشورت

و تصمیم‌گیری در امور کشور براساس اصول تفکیک قوا بود، زیرا مجلس به عنوان نیروی متعادل‌کننده منازعات سیاسی-اجتماعی در کانون رخدادهای کشور قرار داشت و می‌بایست مطالبات ملی را در مسیر قانونی و مشخص هدایت کند و زیاده‌روی‌های دولت و دربار را مهار نماید. در عمل نیز چنین بود، چراکه مجلس به مرکز نقل تحولات کشور تبدیل شد. سرگذشت اندوه‌بار سه مجلس آغازین

کامل مشروطه که هر یک به‌نوعی در میانه راه بسته شدند، حکایتگر نقش و اهمیت بی‌بدیل این نهاد بود. مجلس چهارم نیز از یک بی‌دوره طولانی فترت پس از کودتای ۱۲۹۹ و خروج می‌توان آماره کرد که هنوز ابعاد گوناگون

نقش آفرینی مجلس در روند تحکیم

دیکتاتوری رضاشاه، ناشناخته باقی مانده

است لذا با توجه به خلأهای پژوهشی موجود،

هدف این اثر، بررسی علمی، روشمند و

تحلیلی رابطه دو متغیر مجلس شورای ملی

و تحکیم دیکتاتوری رضاشاه با تأکید ویژه بر

نقش مجلس در فرایند تحولات سال‌های پس

از کودتای ۱۲۹۹ خواهد بود و در واقع ناظر به

مجموعه تلاش‌ها، مواضع و اقدامات مجلس در

راه صعود رضاخان سردارسیه به وزارت‌تنگ و

نقش وزیری اثر، طرح اندیشه جمهوری خواهی،

تفسیر و بازنگری قانون اساسی به مجلس

و سلب اختیارات قانونی احمدشاه، انتقال حق

رضاخان هنگام افتتاح یکی از مدارس مجلس شورای ملی



سلطنت از سلسله قاجار به به خاندان پهلوی و نهایتاً تحکیم، تثبیت و تداوم حاکمیت مطلقه اوست. با توجه به آنچه گفته شد اثری که هم‌اینک از آن سخن می‌رود، در هفت فصل تنظیم شده است:

فصل اول با رویکردی نظری به نقش و جایگاه

مجلس در نظام‌های دموکراتیک، این موضوع

را در ساختار نظام مشروطه و نقش آفرینی

آن در روند خداده‌های پس از مشروطه‌بان

توجه به جایگاه مجلس، ترکیب نمایندگان

آن، احزاب و جریان‌های سیاسی و تعامل

آن با نهادهای دیگر بررسی می‌کند. فصل

دوم به بررسی نقش مجلس چهارم در روند

قدرت‌گیری رضاخا، چگونگی رویارویی

وی با مجلس و روند صعود او از سردارسیه

به وزارت جنگ و سپس نخست‌وزیری

می‌پردازد. بررسی جنبش جمهوری خواهی

و نقش مجلس در مواجهه با این جریان و نیز

ارزیابی پیامدهای این حرکت موضوع فصل

سوم است. در فصل چهارم نقش و عملکرد

مجلس پنجم در اعطای فرماندهی کل قوا به

رضاخان و سلب اختیارات احمدشاه با توجه

به مقدمات و پیامدهای آن بررسی می‌شود

و فصل پنجم پس از ارزیابی فضای سیاسی

کشور و همکاری‌های نزدیک تر مجلس با

رضاخان، به چگونگی صعود سردارسیه به

تخت سلطنت اختصاص دارد. فصل ششم با

توجه به نقش مجلس و ماهیت آن در ساختار

واقعیت این است که تکامل نیافتگی

محمل‌های دموکراتیک و فقدان بسترهای

نظری و عملی پارلماناریسم از یک سنو و

حضور قدرتمندانه قشرهای اجتماعی ماقبل

مدرن از سوی دیگر، مجلس را همانند دیگر

نهادهای نوپنیاد مشروطه به میدان منازعات

قدرت‌طلبانه و کشمکش‌های صغفی و سیاسی

تبدیل می‌کرد که پیامد منطقی آن افزایش

بحران و ناپایداری سیاسی بود. این فضا در

بی بروز جنگ جهانی اول و ازم گسیختگی